

دانشگاه حکمت بنیان، هدف راهبردی الگوی شش وجهی تعالی آموزش علوم پزشکی

علی اکبر حقدوست^۱، سید حسن امامی رضوی^۲، لیلا افشار^{۳*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۸

چکیده

تدوین برنامه های تحول در آموزش علوم پزشکی کشور و تجربه پیاده سازی و ارزیابی آنها نشان داد که بدون راهبردی مبتنی بر ارزش های بنیادینی که در مجموعه سیاست ها و برنامه های نظام علمی و آموزشی دیده شده اند و ترجمان این ارزش ها در قالب برنامه های عملیاتی دستیابی به اهداف غائی برنامه ممکن نخواهد بود. الگوی شش وجهی تعالی دانشگاه ها با هدف تبیین این مسیر طراحی شد.

در این مقاله بر آن هستیم تا با مروری بر مستندات نشان دهیم دانشگاه ها و بویژه دانشگاه های حوزه علوم پزشکی برای دستیابی به تعالی، بایستی ارزش های بنیادین اخلاقی و معنوی را در سیاست ها، برنامه ها و عملیات خود نهادینه سازند و این ممکن نخواهد بود مگر آنکه به شکل دهی دانشگاه حکمت بنیان به عنوان هدف راهبردی خود نگاه کنند. نشان می دهیم که ارزش های اخلاقی و معنوی در کدام بخش الگو جای می گیرند و استدلال می کنیم که طراحی و پیاده سازی راهبردهائی که چتر ارزش های اخلاقی و معنوی را بر خردورزی، همگرائی، ماموریت گرائی، دستیابی به مرجعیت علمی و پاسخگوئی اجتماعی بگستراند می تواند نظام آموزش علوم پزشکی را به سمت و سوی دانشگاه حکمت بنیان سوق داده و به اهداف غائی خود دست یابد.

کلمات کلیدی: دانشگاه حکمت بنیان، ارزش های اخلاقی، ارزش های معنوی، هدف راهبردی، تعالی

۱. استاد، مرکز تحقیقات نظارت بر HIV/STI، موسسه آینده پژوهی در بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ایران، کرمان. ahaghdoo@gmail.com

۲. استاد، گروه جراحی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران، تهران. shemamirazavi@gmail.com

۳. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه اخلاق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ایران، تهران. lafshar@gmail.com

مقدمه

آموزش به شکل عام و آموزش علوم پزشکی در حوزه سلامت از جمله ارکان هر نظامی بوده و بدیهی است که به اعتلای کارکرد نظام و جهت دهی به اهداف آن منجر خواهد شد. در حوزه سلامت نیز، کیفیت خدمات سلامت و مرجعیت علمی کشور مبتنی بر نظام آموزشی آن می باشد. اما هر نظام آموزشی نیازمند ترسیم غایات و اهداف ارزشی خود نیز هست.

غایت ها و اهداف نظام آموزش و سلامت کشور در اسناد بالادستی دیده شده، و در مجموعه "سیاست‌های کلی سلامت" کشور، مورد تاکید قرار گرفته است. از آن جمله: "ارائه خدمات آموزشی، پژوهشی، بهداشتی، درمانی و توانبخشی سلامت بایستی مبتنی بر اصول و ارزش‌های انسانی-اسلامی و نهادینه سازی آن در جامعه" باشد (۱).

همچنین در این سیاست ها بر "ارتقاء نظام انتخاب، ارزشیابی و تعلیم و تربیت اساتید و دانشجویان و مدیران و تحول در محیط‌های علمی و دانشگاهی متناسب با ارزش‌های اسلامی، اخلاق پزشکی و آداب حرفه‌ای." و "توسعه کیفی و کمی نظام آموزش علوم پزشکی به صورت هدفمند، سلامت محور، مبتنی بر نیازهای جامعه، پاسخگو و عادلانه و با تربیت نیروی انسانی کارآمد، متعهد به اخلاق اسلامی حرفه‌ای و دارای مهارت و شایستگی‌های متناسب با نیازهای مناطق مختلف کشور" تاکید شده است (منبع قبلی).

در اسناد و سیاست های بالادستی به "تحول نظام سلامت جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت" اشاره شده و توسعه کیفی و کمی هدفمند (پاسخگو، جامعه نگر و عادلانه) آموزش علوم پزشکی (سلامت) در ساختار ادغام یافته با ارائه مراقبت های سلامت متناسب با نیازهای جامعه و گسترش دانش، و بر اساس سند تحول و توسعه آموزش پزشکی کشور مورد تاکید قرار گرفته است (۲).

تحول نظام آموزشی در جهت گیری کلی چشم انداز نظام

سلامت آنچنان که در "نقشه جامع علمی سلامت" آمده است، بر تعالی سرمایه انسانی و حمایت از نخبگان و نوآوران مبتنی است. به نحوی که ارائه خدمات سلامت توسط انسانهایی عالم، توانمند و کارآمد، پاسخگو به نیازهای سلامتی جامعه، متخلق به اخلاق حرفه ای و اجتماعی متناسب با فرهنگ اسلامی ایرانی و نوآور انجام گیرد (منبع قبلی).

در نقشه جامع علمی کشور نیز موضوعاتی که بر ضرورت توجه ویژه به آموزش پزشکی اشاره دارند قابل مشاهده هستند. در افق ترسیم شده و پیش رو در حوزه علم و فناوری، جمهوری اسلامی ایران، کشوری خواهد بود: برخوردار از انسانهای صالح، فرهیخته، سالم و تربیت شده در مکتب اسلام و انقلاب و با دانشمندانی در طراز برترینهای جهان؛ توانا در تولید و توسعه علم و فناوری و نوآوری و بکارگیری دستاوردهای آن؛ پیشتاز در مرزهای دانش و فناوری با مرجعیت علمی در جهان (۳).

در همین راستا در سال ۱۳۹۴ برنامه تحول و نوآوری در آموزش علوم پزشکی در وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی تدوین شد (۴). و در سال های بعد مورد توجه و همچنین نقد صاحب نظران قرار گرفت. نقد های مطرح شده در خصوص برنامه و چالش های پیش آمده در فرایند اجرا و پیاده سازی برنامه تحول، در کنار دستاوردهای مهم آن، منجر به طراحی و پیشنهاد الگویی برای تبیین نقش دانشگاه در مسیر تعالی نهادی آن و در راستای تحقق اهداف کشور در حوزه سلامت گردید. بر همین اساس الگوی شش وجهی تعالی دانشگاه های علوم پزشکی کشور تدوین شد (۵). در این الگو خروجی های مورد انتظار از نظام آموزشی در شش وجه مرجعیت علمی، همگرایی علوم، ماموریت گرایی، درخشش بین المللی، پاسخگویی اجتماعی و اعتلای خردورزی تعریف شده است. وجه خردورزی در این الگو با توجه به تاکید فراوان منابع اسلامی بر مفهوم تفکر و تعقل و در کنار آن اشاره به کافی نبودن صرف آنها بدون فضائل اخلاقی و معنوی، تاکید می کند که توسعه فضای گفتمان و تفکر نقادانه بایستی توأم با توجه



و گسترش ارزش های اخلاقی و معنوی انجام پذیرد. بر همین اساس در این مقاله بر آن هستیم تا نشان دهیم که ارزش های اخلاقی و معنوی در کدام بخش این الگو جای دارند و استدلال کنیم که طراحی و پیاده سازی راهبردهائی که چتر ارزش های اخلاقی و معنوی را بر خردورزی، همگرایی، مأموریت گرایی، دستیابی به مرجعیت علمی و پاسخگویی اجتماعی بگستراند می تواند نظام آموزش علوم پزشکی را به سمت و سوی دانشگاه حکمت بنیان سوق داده و به اهداف غائی خود دست یابد.

مبانی ارزشی نظام آموزش پزشکی

دستیابی به دانشگاه حکمت بنیان، هدفی است که علاوه بر خردورزی نیازمند توجه به ارزش های اخلاقی و معنوی نیز هست. این امر میسر نخواهد بود مگر آنکه دانشگاه ها که مسئولیت تربیت سرمایه انسانی را بر عهده دارند، خردورزی، اخلاق و معنویت را در همه وجوه خود نهادینه کرده و بنیان های خود را بر حکمتی ژرف بنا نهند. به همین منظور شناخت ارزش های اخلاقی و معنوی و ترجمان آنها برای آموزش علوم پزشکی ضروری است.

هر نظام آموزشی و از جمله نظام آموزش پزشکی نیازمند تبیین مبانی است که برگرفته از ارزش های بنیادین تعریف شده یا مفروض آن هستند. سخن از ارزش سخن از باید و نباید است لذا همواره به نشانه نوعی شایستگی و مطلوبیت بکار می رود و در معنای وسیع خود همه فضایل از جمله زیبایی، حقیقت، خوبی و حتی قداست را در بر می گیرد.

با توجه به مفاهیم متعدد، کاربرد وسیع و اهمیتی که این واژه در نظام های فکری دارد، ارائه تعریفی دقیق از آن، از الزامات تبیین مبانی هر نظام آموزشی و از جمله نظام آموزش پزشکی است.

اگر بپذیریم که سخن گفتن از ارزش، پرسش از باید است، ارزش امری هنجار گذار خواهد بود که در یکی از وجوه هر موضوع باید و نباید تعیین می کند. در وسیع ترین کاربرد خود

اسم عام همه محمول های هنجارپذیر خواهد بود و در کاربردی محدودتر شامل قضایائی می شود که تعبیر درست و نادرست، فضیلت و رذیلت، خوب و بد و... بر آنها قابل اطلاق است که این دسته از قضایا در دایره اخلاق می گنجند. گاهی ارزش یک امر، به فایده یا فایده بخشی آن برای یک هدف است. این ارزش عارضی (Extrinsic)، ارزشی ابزاری و یا خوب بودن به عنوان وسیله دستیابی به امر مطلوب یا خوب است. گاهی نیز ارزش به معنای ارزش اصیل یا درون ذات (Inherent) تعریف می شود، مانند ارزش زیبایی شناختی یک اثر هنری. این نوع از ارزش ثابت و فارغ از زمینه بوده و ارزشی است که یک چیز به دلیل نفس ذات خود از آن برخوردار است. گاه ارزش امری ذاتی (Intrinsic) است که به معنای خوب یا مطلوب بودن به عنوان یک غایت و هدف است، چنین شکلی از ارزش، وابسته به زمینه خواهد بود (۶).

گرچه تعاریف و تقسیم بندی های دیگری نیز برای ارزش مطرحند اما آنچه که در یک نظام آموزشی دارای اهمیت است، تعریفی است که از ماهیت ارزش در آن حوزه، مثلاً آموزش پزشکی، بدست خواهیم داد. به عنوان مثال، در حوزه پزشکی و آموزش پزشکی، سلامت یک ارزش فارغ از زمینه است که همه انسانها با هر موقعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و... به صرف انسان بودن، آن را مطلوب تلقی می کنند. بنابراین همه آنچه که برای دستیابی به این ارزش ذاتی به نحو مطلوبی بکار گرفته می شود دارای ارزش ابزاری خواهد بود. از آن جمله می توان از نظام آموزش پزشکی نام برد که به واسطه آنکه وسیله ای برای تامین امر مطلوب « سلامت » است، دارای ارزش ابزاری است. بدان معنا که بایستی از همه ظرفیت های نظام آموزشی و در همه سطوح آن، برای تامین سلامت همه افراد جامعه، استفاده کرد.

اینجاست که دانشگاه حکمت بنیان پایه های خود را بر دوش ارزش بنا می کند و به ارزش های اخلاقی و معنوی به عنوان

راهبردی برای خردورزی و عقلانیت راستین تکیه می کند.

مبانی اخلاقی نظام آموزشی در علوم پزشکی

در اینجا می توان از نظریه های اخلاق هنجاری (به عنوان سطحی از اخلاق که از باید و نباید اخلاقی سخن می گوید) بهره گرفت تا نحوه دستیابی به این ارزش -سلامت- را مشخص نمایند و شناخت ارزش های معنوی و پایبندی به آنها مسیر بکار بستن خرد و اخلاق را مستقیم نگاه می دارد.

اما اخلاق در حوزه آموزش پزشکی چه آورده ای برای ما دارد؟ در اخلاق هنجاری باید حداقل در پی پاسخ به سه دسته سوال اساسی باشیم و نوع پاسخ به این سوال ها، نظام های اخلاقی گوناگون را شکل می دهد. بنابراین یک نظام اخلاق محور، با ارزش های اخلاقی حاکم بر آن، حداقل بایستی به سه موضوع بپردازد.

در دسته اول از این مباحث تمرکز بر « عمل » است. سوال اصلی که در اینجا باید پاسخ داده شود این است که چه اصل یا اصولی یک عمل را به لحاظ اخلاقی ارزشمند می کند.

در پاسخ به این سوال مجموعه ای از اصول گوناگون اخلاقی مطرح شده که در حوزه آموزش پزشکی به عنوان مثال می توان از اصل احترام به کرامت انسانها و اصل عدالت نام برد. این نظام های اخلاقی که وظیفه گرایانه اند، وظائف و مسئولیت های فاعل و کنش گر اخلاقی را مشخص می کنند.

در دومین دسته از مباحث، تمرکز بر نتایج حاصل از یک عمل است. در واقع سوالی که در اینجا باید پاسخ داده شود این است که چه نتایجی خوب یا دارای ارزش اخلاقی تلقی می شوند؟ از این رو پیامدگرا خوانده می شوند. در اینجا نیز ما در پاسخ، بامجموعه ای از امور یا نتایج ارزشمند مواجه خواهیم بود. روشن است که مهم ترین پیامد مورد انتظار و ارزشمند نظام سلامت، تامین سلامتی فرد فرد مردم است و شیوه های سیاست گذاری و برنامه ریزی ابزاری اند که پیامد مطلوب آموزشی را به منظور

دستیابی به هدف تامین سلامت، مد نظر قرار می دهند.

دسته سوم از نظام های اخلاقی، فضیلت گرا نامیده می شوند. فضایل بجای تمرکز بر ویژگی های یک عمل، بر شخصیت و منش افرادی که انجام دهنده آن کار (فاعل اخلاقی) هستند اشاره می کنند. بنابراین چنانچه عدالت یک اصل ناظر به اعمال باشد، عادل بودن افراد نشانه فضیلت آنها خواهد بود (۷).

مجموعه این تعاریف بدان معناست که اخلاق هنجاری در پی یافتن اصول اخلاقی، پیامدهای ارزشمند به لحاظ اخلاقی و ویژگی های مثبت یا فضایل شخصیتی است. بسته به موقعیتی که در آن قرار می گیریم هریک از این سه جنبه می تواند مهم تلقی شود و بنابراین در یک نظام جامع، تلفیقی ساختاریافته از این سه دسته ارزش اخلاقی، محوریت اخلاق را تضمین می کند. بر همین اساس در نظام آموزش پزشکی، اخلاق وظیفه گرا اصول و قواعد اخلاقی و وظایف و مسئولیت های منطبق بر آن را تعریف می کند. در اینجا امر اخلاقی پسندیده، رعایت عدالت و احترام به انسان ها و بر همین اساس مواجهه عادلانه با آنهاست. این منظر با توجه به وظایف و مسئولیت های فراگیر (دانشجو)، آموزش دهنده (استاد) و مدیران نظام آموزشی، راهنماهای عملی را فراهم می نماید. این راهنماها شامل تدوین صلاحیت های حرفه ای و اخلاقی دانشجویان، فارغ التحصیلان و اساتید و تدوین کدها اخلاقی و حرفه ای مدیریتی، سازمانی و آموزشی خواهد بود (۸، ۹).

از سوی دیگر اخلاقیات پیامد گرایانه بایستی ضمن تعریف پیامد غائی مطلوب و همچنین پیامد آموزشی مورد انتظار، یعنی صلاحیت های مورد نظر برای فارغ التحصیلان، در پی این باشد که شرایط و محیط آموزشی به نحوی شکل گیرد که بتواند بهترین نتایج ممکن از اهداف آموزشی فراهم شود. این امر می تواند شامل تدوین سیاست ها، طراحی برنامه ها و سازوکار مدیریتی لازم برای توسعه، تقویت و نحوه ارزیابی صلاحیت های و ویژگی های تعریف شده باشد (۱۰، ۱۱). بدیهی است

های معنوی است: نخست آنکه، به دلیل پیشرفت های دانشی و فناوریانه امکان انجام بسیاری از امور را دارد که در گذشته میسر نبود و این افزایش دایره توانمندی ها، نیازمند پالایشی از جنس معنویت است. در واقع اگرچه اخلاق برای ما باید ها و نبایدها را تعریف می کند اما پایبندی به این هنجارها و التزام به آنها نیازمند ارتقاء معنوی است. دوم آنکه، به دلیل همین پیشرفت ها انسان در هر لحظه، امکان دسترسی و خواستن چیزهای متنوعی را دارد و این موضوع او را دچار نوسان میان لذت و الم می کند؛ زیرا برگزیدن از میان امکان های مختلف به معنای چشم پوشی از سایر امور ممکن است که برای انسان اضطراب و الم ناشی از چشم پوشی از امور مطلوب را پیش می آورد. این دغدغه معنا و معنویت انسان امروز را به جستجوی ارزش های معنوی بر می انگیزد. این امر در میان حرفه مندان حوزه پزشکی نیز اجتناب ناپذیر است و حتی با توجه به پیشرفت های نوین دانش پزشکی ضروری تر. بنابراین از آنجا که زندگی انسان امروز بیشتر مصروف خواستن، داشتن و انجام دادن می شود، ضروری است که با توجه دادن به امور معنوی، بودن فرد تحت تاثیر قرار گرفته و تغییر کند.

اما از نگاه ادیان الهی، آرامش درونی و رفتارهای اخلاق مدارانه تنها زمانی معنا و مفهوم عمیق پیدا می کنند که منشاء و حیانی داشته و متاثر از یک ارتباط قوی قلبی بین خالق و مخلوق باشد (۱۵). در این صورت تمامی مظاهر معنویت تبلور می یابد و ریشه و اساس آن صرفاً یک قرارداد بشری و درک انسانی برای بهتر زیستن نخواهد بود بلکه به دلیل اتصال به معبودی حاصل می شود که واجد تمامی زیبایی ها و محاسن به معنای اکمل است. انسان در می یابد که باید خداگونه باشد و صفات الهی را در حد توان در خود ایجاد نماید؛ همچنین تمامی مخلوقات و از جمله سایر انسان ها را نیز آفریده خالق بدانند که جز خیر و کمال نمی خواهد و لذا همه چیز مقدس، زیبا، نورانی و محترم خواهد بود. این نگاه و اتصال به چنین ربّی آرامش خاطر و صفای

که سیاست ها بایستی در سطح نظام آموزشی تدوین شوند در حالیکه طراحی برنامه ها و شیوه مدیریت آنها در سطح موسسه آموزشی قابل اجراست.

و در نهایت اخلاق فضیلت گرا که همبستگی زیادی با مفهوم آموزش به معنای رشد و تعالی فردی دارد، درباره ویژگی های شخصیتی مطلوب و فضایل دانشجو و مدرس، راهنمای عملی ارابه می نماید که تدوین ویژگی ها و منش حرفه ای مورد انتظار، محصول آن خواهد بود؛ ویژگی هایی که در طراحی برنامه آموزشی، فراهم کردن محیط آموزشی مناسب (۱۲) و در فرآیند یاددهی و یادگیری، چه در کوریکولوم رسمی و چه کوریکولوم پنهان، بایستی مورد نظر باشند (۱۳، ۱۴).

بنابراین چنانچه هدف، طراحی نظام آموزشی ای باشد که ارزش های اخلاقی ایرانی - اسلامی در کانون آن قرار گیرند، بایستی از همه ظرفیت های آموزش پزشکی کشور برای نهادینه سازی این امر استفاده کرد. بدیهی است که تبیین مسئولیت ها، وظایف و پیامد مورد انتظار میتواند سیاست ها و قواعد آموزشی را در یک ساز و کار اخلاقی شکل دهد. همچنین همین مسئولیت ها و وظایف در ترکیب با فضایل اخلاقی و منش مورد انتظار از دانشجو و استاد، در واقع شکل دهنده ارزش های اخلاقی حاکم بر ارتباطات آموزشی خواهند بود. رشد و تعالی شخصیتی افراد در فرآیند آموزش، منجر به رسیدن به بهترین پیامد آموزشی در یک نظام آموزشی اخلاق مدار خواهد شد. پیامدی که در حین دستیابی به مهارت های مورد انتظار برای تامین اهداف نظام سلامت، منجر به تعالی فردی هر یک از دست اندر کاران این حوزه نیز بشود.

ارزش های معنوی در نظام آموزشی در علوم پزشکی

دسته دیگری از ارزش ها ارزش هائی اند که ناظر بر بعد معنوی وجود انسانند و از همین رو نیازمند توجه ویژه در فرآیند آموزش و ارائه خدمت به انسان ها.

انسان امروزه حداقل به دو دلیل مهم نیازمند توجه به ارزش

باطنی ایجاد می‌کند، آنچنان که سخت‌ترین و تلخ‌ترین حوادث جهان نیز وی را مضطرب نخواهد کرد.

بنابراین معنویت در سطوح مختلف فلسفی قابل تعریف است. در سطح وجود شناختی معنویت، یعنی باور به اینکه امور و عوالم دیگری ورای محسوسات بشری وجود دارند. این امر به ما یادآوری می‌کند که انسانی که در علم پزشکی با آن سرو کار داریم بعدی والاتر از ابعاد جسمی و روانشناختی نیز دارد که دستیابی به سلامت بدون توجه به این بعد اگر نه دشوار اما حداقل ناکامل خواهد بود (۱۶، ۱۷). در سطح معرفت شناختی معنویت، یعنی باور به اینکه همه امور عالم قابل تشخیص و سنجش با ابزارهای علم تجربی و اثبات‌گرایانه نیستند. این موضوع به حرفه‌مندان حوزه سلامت یادآوری می‌کند که همه آنچه بر فرایند بیماری و سلامت فرد تاثیر می‌گذارد قابل سنجش و اندازه‌گیری بر اساس محسوسات تجربی نبوده و لازم است تا حرفه‌مند حوزه سلامت از این نکته غافل نباشد. در سطح انسان شناختی معنویت یعنی باور به اینکه انسان موجودی است که رو به کمال دارد و باید از مسیر خودشناسی، از نمود و جلوه بیرونی زندگی به بود آن توجه کرده، و با عطف توجه به اصلاح خود همواره در مسیر ارتقاء و کمال، صادقانه و مجدانه حرکت کند. در سطح ارزش شناختی معنویت، یعنی انجام وظایف و مسئولیت‌های خود در قبال دیگران و کسب فضائل اخلاقی (۱۸).

در فرایند آموزش و تغییر رفتار باید توجه داشت که گفتار و کردار انسان در واقع نمود و بروز ساحت‌های درونی او یعنی باورها، احساسات و عواطف و خواسته‌های او هستند. بنابراین برای اصلاح بروز بیرونی باید تغییری در درون رخ دهد. لذا به نظر می‌رسد که علاوه بر دستیابی به شناخت درست، مهم‌ترین تغییر برای نیل به معنویت باید در ساحت خواسته‌های انسان رخ دهد و توجه به این امر در فرایند آموزش تاثیر بسزائی دارد. یک نظام آموزشی حکمت بنیان باید بتواند برای فراگیر و استاد

خود فرصت و امکان تغییر در مسیر تعالی و از مسیر خدمت را فراهم کند.

با توجه به مطالب پیش گفته می‌توان چنین عنوان کرد که نهادینه شدن ارزش‌های معنوی در آموزش پزشکی به شکل گیری حیات معنوی پزشک یا حرفه‌مند حوزه پزشکی کمک کرده به نحوی که وی در این مسیر به عنوان نمودی از اسم شافی خداوند، مسئولیت حرفه‌ای خود را به بهترین شکل ممکن انجام داده و در عین حال در مسیر ارائه خدمت و مراقبت به ابعاد معنوی وجود بیمار اهمیت دهد (۱۹، ۲۰).

بر همین اساس یک دانشگاه حکمت بنیان در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از چهار وجه و زاویه ارتباط جدی و زیربنایی با ارزش‌های معنوی دارد و باید این موضوع را در برنامه‌های خود مورد توجه قرار دهد.

نخست آنکه نظام آموزشی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی باید مفاهیمی مانند معنویت، ارزش‌های معنوی و سلامت معنوی و ارتقاء آن را به دانش‌آموختگان خود منتقل کرده و برای متبلور شدن آنها برنامه ریزی کند. باید تلاش شود که تمامی گروه‌های ارائه‌دهنده خدمات سلامت که به نوعی مستقیم و غیرمستقیم در این نظام آموزشی تربیت می‌شوند در زمان ارائه خدمت به مردم، مبتنی بر ارزش‌های معنوی که در آنها پرورانده شده، عمل نمایند. اهمیت این موضوع در آن است که نقش این دانش‌آموختگان در ارائه خدمات مستقیم به تمامی جامعه به خصوص در شرایط ویژه و خاص بی‌بدیل بوده و قابل مقایسه با سایر حرفه‌ها نیست. پس وزارت بهداشت همانند سایر نهادهای آموزشی و حتی بیش از آنها باید بر اعتلای ارزش‌های معنوی در دانشجویان خود اهتمام ورزد.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد با توجه به ابعاد مختلف وجودی انسان، بعد معنوی سلامت می‌تواند به صورت عمیق بر اصلاح و ارتقاء قابل ملاحظه سایر ابعاد موثر بوده و در پیشگیری و درمان و توانبخشی مشکلات جسم و روان نقش داشته باشد و

علمی و درخشش بین المللی از مسیر همگرایی میان علوم و با تکیه بر ارزش های اخلاقی و معنوی میسر خواهد بود. این بدان معناست که هدایت دانشگاه های کشور به سمت دانشگاه حکمت بنیان که خردورزی، ارزش های اخلاقی و معنوی را در تمامی سطوح آن نهادینه باشد هدفی راهبردی برای پیاده سازی این الگو خواهد بود. در پایان قابل ذکر است که از آنجا که شرط موفقیت الگو ترجمان آن به صورت برنامه های روشن و عملیاتی خواهد بود تلاش برای تلفیق این مفاهیم در فرایند آموزش علوم پزشکی آغاز شده است. تا دانشجویان بتوانند در دروس مختلف و عمدتاً با شیوه های نوین و از نزدیک در کنار اساتید خود با مفاهیم و ارزش های اخلاقی و معنوی آشنا شده و عمیقاً تحت تاثیر قرار گیرند. ارتقا کیفیت آموزش، توانمندسازی و توجیه و جلب مشارکت کلیه اساتید دانشگاه ها جهت مربی گری موثر در تمامی مراحل تحصیل دانشجو، بسط آن به تمامی رشته ها، و تولید منابع علمی جذاب در این خصوص جزو اولویتهای این مسیر خواهد بود.

بدین شکل از بار بیماری ها کاسته و کیفیت خدمات را ارتقاء جدی دهد.

همچنین در تحقیقات بنیادی و کاربردی و ترجمان شواهد مرتبط به سلامت که جزو وظایف وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه های علوم پزشکی است، شناخت بهتر و عمیق تر ابعاد معنوی تاثیر گذار بر سلامت می تواند به عنوان یک اولویت تلقی شده و علاوه بر آن، از مکانیزم های مناسب برای ترجمان این شواهد استفاده گردد.

نتیجه گیری

تجربه گرانسنگ کشور در حوزه سلامت و آموزش علوم پزشکی که همراه با توسعه دانشگاه های علوم پزشکی و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز کشور کسب شده است، نیازمند نگاه آینده نگرانه و تحولی برای اعتلا و ارتقاء این دستاوردها در سطح ملی و منطقه ای است. الگوی تعالی دانشگاه ها با توجه ویژه به کارکردهای نظام آموزش علوم پزشکی و با رویکردی جامع و کل نگر تدوین شد. دستیابی به خروجی های مورد انتظار این الگو مانند پاسخگوئی اجتماعی، ماموریت گرایی، کسب مرجعیت

منابع

1. Iran's scientific and technological Mega policies. 2014. www.Khamenei.ir. [in Persian]
2. Supreme council for Cultural Revolution, Committee of health and biological science, The comprehensive scientific map of the health in the country. 2009. [in Persian]
3. Supreme council for Cultural Revolution, The document of the comprehensive scientific map of the country. 2010. (in Persian)
4. Pourabbasi A, et al. Packages for reform and innovation in medical education in Islamic Republic of Iran; a conceptual framework. *Teb va Tazkye*. 1396; 26(1):45-50. [in Persian]
5. Pourabbasi A, et al. Hexagonal Model of University Excellence; Guarantee the Promotion of Iran's Health System on the Way of Implementation of Statement of the second step of the Islamic Revolution. *Teb va Tazkye*. 1399; 29(3):171-182. [in Persian]
6. Edwards P(ed), Rahmati E(translator). *Encyclopedia of Moral Philosophy*. First edition. Tehran: Sophia; 1393.
7. Veatch RM. *The Basics of Bioethics*, 3rd edition. Routledge: 2003.
8. Ravani pour, M., Vanaki, Z., Afshar, L., Azemian, A. The standards of professionalism in nursing: the nursing instructors' Experiences. *Evidence Based Care Journal*. 1393; 10(4). [in Persian]
9. Afshar L. Medical Oath; the Educational Impact, *Journal of Medical Education*. 2016; 15(1).
10. Jaffari N. Alizade M. Afshar L. Ahmadi S. Professional Behavior Assessment of Residents in Specialized Wards of Imam Reza Hospital in Tabriz Using P-MEX, *Journal of Medical Education*. 2015; 14(4):150-57. (in Persian)
11. Ahmadi S. Afshar L. Dehghan MS. Javidan F. A Conceptual Framework of the Characteristics of the Clinical Faculty Members in Medicine, *J Complement Med*. 2020; 11(1): 333.
12. Yazdani S, Momeni S, Afshar L, Abdolmaleki M. A Comprehensive Model of Hidden Curriculum Management in Medical Education. *J Adv Med Educ Prof*. 2019; 7(3):123-130.
13. Sabeghi H, Yazdani S, Foroutan SA, Hosseini SM, Afshar L. Value-rich exposures in medical education: phenomenology of practice according to the lived experiences of medical students in Iran. *J Med Ethics Hist Med*. 2021; 14.
14. Afshar L, Yazdani S, Sadeghi Aval Shahr H. Professional identity of medical students: Proposing a Meta Static Structural Model. *JAMP*. 2021; 9(4): 212-221
15. Azizi F(ed). *Encyclopedia of Islamic Spiritual Health*. SBMU: 1397. [in Persian]
16. Timmins F, Caldeira S. *Spirituality in Healthcare: Perspectives for Innovative Practice*. Springer: 2019.
17. Lucchetti G et al.(eds). *Religion, Spirituality and Health: From Research to Clinical Practice*. Springer: 2019.
18. Lucchetti et al. Spirituality and health in the curricula of medical schools in Brazil, *BMC Medical Education* 2012, 12:78.
19. Levin J. *God, Faith, and Health Exploring the Spirituality-Healing Connection*. Wiley: 2001.
20. Razzaghi M, Afshar L. A conceptual model of physician-patient relationships: a qualitative study. *J Med Ethics Hist Med*. 2016; 9(1).

Wisdom Based University; a Strategic Goal for the Hexagonal Model of Medical Education Excellence

Ali Akbar Haghdoost^{1*}, Seyed Hasan Emami-Razavi², Leila Afshar^{*3}

Abstract

The formulation of transformation programs in the medical sciences education and the experience of their implementation and evaluation showed that without a strategy based on the fundamental values which mentioned in the policies and programs of the scientific and educational system, and the translation of these values into the programs, attaining the goals will not be possible. The hexagonal model of university excellence was designed to explain this path. In this article, we intend to show that universities, and especially universities in the field of medical sciences, in order to achieve excellence, must institutionalize fundamental moral and spiritual values in their policies, programs, and operations, and this will not be possible unless keeping the Wisdom Based University as their strategic goal.

We show the place of moral and spiritual values in the model and we argue that the design and implementation of strategies that extend the umbrella of moral and spiritual values to rationality, convergence, mission orientation, achieving scientific authority and social accountability can lead the medical education system towards a Wisdom Based University and achieve its ultimate aims.

Keywords: Wisdom Based University, Ethical value, Spiritual value, Scientific Excellence, Strategic goal, Excellence

1. Professor, HIV/STI Surveillance Research Center, Institute for Futures Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran
2. Professor, Department of General Surgery, School of Medicine, Tehran University of Medical Sciences
- 3*. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Medical Ethics, Shahid Beheshti University of Medical Sciences.
Email: lafshar@gmail.com

